

بررسی تشبیه تفضیل در شعر عماد فقیه

دکتر یحیی طالبیان*
دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

این مقاله، یکی از صور خیال شاعرانه، یعنی تشبیه تفضیل را، در شعر عماد فقیه کرمانی، بررسی می‌کند؛ در آغاز، به جایگاه و ارزش تشبیه، در نقد بلاغی می‌پردازد، آن‌گاه به شیوه‌های نوسازی تشبیه اشاره می‌کند و یکی از مهمترین آن‌ها را، تفضیل می‌داند. تشبیه تفضیل در شعر عماد، از لحاظ کفی، با سه تن از شاعران سبک خراسانی مقایسه می‌شود؛ به ویژگی‌های تشبیه تفضیل در شعر عماد اشاره و سازگاری این شگرد بیانی با محتوای عرفانی شعر عماد یادآوری می‌شود افزونی تشبیه تفضیل در بیت‌هایی که به صامت «ت» ختم می‌شود، گزاره دیگر بررسی مقاله است. همه این بررسی‌ها با انتخاب نمونه‌های ۱۰ و ۲۰ درصدی از شعر عماد تحقق می‌یابد. سخن آخر آن که افزونی و شمار گسترده تشبیه تفضیل در شعر عماد، به عنوان شاعری در محدوده سبک عراقی، می‌تواند یکی از ویژگی‌های سبکی شعر عماد فقیه را، از دیدگاه صور خیال شاعرانه رقم زند.

واژه‌های کلیدی: ۱. عماد فقیه ۲. تشبیه تفضیل ۳. سبک خراسانی ۴. سبک عراقی ۵. صور خیال ۶. صامت «ت».

۱. مقدمه

۱.۱. در دیدگاه‌های گوناگون، از شعر تعریف‌های مختلفی کرده‌اند (زرین کوب، حمید، ۱۳۶۷: ۱۸۴). بعضی تعریف جامع و مانع شعر را غیرممکن می‌دانند (شفیعی کدکنی، ۶: ۱۳۷۰). و درباره منشأ لغوی کلمه نیز اظهار نظرهای گوناگونی ارائه شده است و بر همین اساس گاه جهت‌های ویژه‌ای برای ادبیات تعیین کرده‌اند. در فرهنگ گذشته روم و یونان و از عصر ارسطو گرفته تا زمان حاضر، بر دیدگاهی ویژه پای فشرده‌اند. ولی می‌توان گفت همگی در یک نکته هم سخن هستند و می‌گویند: جوهر شعر تخیل است (طالبیان، ۳۲: ۱۳۷۸). شیوه‌ها و روش‌های تخیل، در دانش بیان بحث می‌شود و علم بیان، شیوه ایراد معنی واحد، با روش‌های گوناگونی است (تفتازانی، ۳۰۰: ۱۴۰۷ هـ.ق). بی‌گمان تشبیه در رأس این روش‌ها و روشن‌ترین و آشکارترین آن‌هاست. از این رو، در همه ادوار شعر فارسی، کاربرد بیشتری داشته است و بیجا نیست که نویسندگانی مانند ابوهلال عسکری و میرد، درباره اهمیت آن گفته‌اند: «هیچ ادیبی از آن بی‌نیاز نیست» و یا «بیشتر کلام عرب تشبیه است» (طالبیان، ۴۳: ۱۳۷۸).

لذتی که مردم از تشبیه می‌برند، متفاوت است و بسیاری از تشبیه‌ها در گذر زمان و بر اثر تکرار رنگ می‌بازند و تازگی خود را از دست می‌دهند. نوع تشبیه‌ها، هم در گذشته و حال، دچار دگرگونی شده و مخاطبان را گاه جذب کرده و گاه آنان را رمانده است. پیشینیان تشبیه ساده و حسی را بیشتر می‌پسندیدند و پسینیان تشبیه‌های لطیف و نازک را و شاید طرز عقاید مذهبی و دینی رایج در محیط، از مسائلی باشد که نوع تشبیه را در ادب یک قوم تعیین می‌کند

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی

(شفیعی کدکنی، ۵۸: ۱۳۶۶) و عوامل دیگری از قبیل طبیعت، جغرافیا و سیاست و حکومت در این زمینه مؤثرند. در دوره‌های مختلف، ذوق‌ها دگرگون می‌شود و گاه مرزبندی یک دوره از دوره دیگر، با میل از سادگی و مادی بودن به سمت دشواری و پیچیدگی و پندارگونگی به طور کامل محسوس است.

۱.۲. در گذر تاریخ شاعرانی که با جستجو در میراث گذشتگان، این دست مایه را دریافت و بهره‌گیری می‌کردند و در پی بروز خلاقیت و نوآوری بوده‌اند، در پی چاره‌جویی بر می‌آمدند. برای نمونه، تشبیه قد به سرو، تشبیهی قریب و مبتذل و عادی می‌شده است؛ اما شاعری که قد را به سرو سیمین و یا قد را به سرو سیمینی که بر سرش ماهی منور است، تشبیه کرده؛ نوعی نوآوری در کلام پدید آورده و بدین نوآوری، تشبیه مشروط و یا تفضیل نام نهاده‌اند. و یا اگر برخلاف عرف، سرو را به قد تشبیه کرده و به سوی مبالغه‌ای راه سپرده‌اند، بهره‌اش موجب پدیداری تشبیه عکس شده است. شعر دقیقی در بهره‌گیری از شگرد تشبیه عکس، مؤید این نکته است:

دو چشم آهو و دو نرگس شکفته به بار درست و راست بدان چشمکان تو ماند

(دقیقی، ۹۷: ۱۳۶۸)

۱.۳. تبدیل وجه شبه عادی به وجه شبه غریب و مرکب مانند تشبیه انسان به گل، نه از لحاظ زیبایی؛ بلکه از نظر خسته بودن به سلاح خویش و به « الف »؛ نه از لحاظ راستی؛ بلکه از نظر عاشق بودن به بالای خود و تشبیه آدم به چراغ؛ از نظر سیاهی و از نظر روشنی و به گل؛ نه از نظر زیبایی؛ بلکه از حیث پوست خود را کفن ساختن، همه فرار از ابتذال است؛ نظامی در صور خیال شاعرانه خود بدان‌ها چنگ زده است:

بی‌کینه وری سلاح بسته چون گل به سلاح خویش خسته

(فرشیدورد، ۳۹۸: ۱۳۶۳؛ به نقل از تقوی، ۴۷۰: ۱۳۶۳)

سست مایگی همیشه همراه تشبیه نیست. قدرت بلیغ و خیال شاعر، می‌تواند آن را نو کند و نوعی تصرف در تشبیه کند یا به جهت دیگری آن را رهنمون شود؛ نکته‌ای بر آن بیفزاید تا تشبیه از خواری سست‌مایگی به سرافرازی ابتکار، ارتقاء پیدا کند؛ مهمترین شیوه‌های سنتی نوسازی تشبیه آن است که « اشاره‌ای در تشبیه وارد کند؛ شرطی بیاورد؛ طریق دیگری در تشبیه برگزیند؛ یعنی اگر « الف » را به « ب » تشبیه می‌کردند، او « الف » را به « ی » تشبیه می‌کند؛ یعنی تشبیه را قلب می‌کند و یا در تشبیه به گونه‌ای تصرف می‌کند » (علی‌الجندی، ۱: ۱۹۵۲).

در هنجار گفتار و مطول تشبیه مشروط و تفضیل در ذیل عنوان تشبیهی که وجه شبه آن سست مایه یا غریب است، آمده و این نوع تشبیه از مواردی است که در تشبیه مبتذل، تصرف می‌کنند تا از سست مایگی‌اش بکاهند و به آن غرابت بدهند (فرشیدورد، ۴۲۰: ۱۳۶۳) و تشبیه تفضیل و مشروط قابل تأویل به تشبیه مقیدند. از طرفی شرطی که در تشبیه مشروط می‌آید، مفید معنی تفضیل است.

۱.۴. می‌توان گفت که نوسازی تشبیه در شعر شاعران، به روش‌های تفضیل، تشریط، تقيید و عکس صورت می‌پذیرد و بسامد کاربرد این روش‌ها، تحول سبک خراسانی به سبک عراقی را، نشان می‌دهد (طالبیان، ۳۷۸: ۱۳۷۸).

۱.۵. عماد فقیه کرمانی (شاعر قرن هشتم)، از نظر زمانی در محدوده رونق سبک عراقی و میانه دوره شاعران برجسته‌ای چون مولوی، سعدی و حافظ قرار گرفته؛ بدین جهت، بررسی شعر او، از چشم‌انداز صور خیال جایگاه ویژه‌ای دارد و گوشه‌ای از ویژگی‌های سبک عراقی را آشکار می‌کند.

۲. بحث

۲.۱. این مقاله، یکی از مهمترین ویژگی‌های سبک عماد را، از چشم‌انداز یکی از صور خیال شاعرانه، یعنی تشبیه تفضیل بررسی می‌کند؛ و این بررسی روشن می‌سازد که بسامد این کاربرد با محتوا و معانی شعر عماد، سازگار است. معنای ویژه‌ای که عماد، با استفاده از این شگرد بیانی، در پی القای آن بوده است.

۲.۲. وقتی تشبیه به زیورهای بلاغی دیگر پیوند می‌خورد، زیبایی آن افزون‌تر می‌شود. پیوند شگردی بیانی و آرایه‌ای بدیعی، مزایای جدیدی پدید می‌آورد که در هر یک از آن‌ها، قبل از آن، به تنهایی وجود نداشت. مهم آن است که زینت‌ها، از روی تصنع و اکراه نباشد و کلام بتواند آن را جذب کند و گرنه سنگینی را به کلام می‌افزاید (علی‌الجندی، ۲، ۶۵: ۱۹۵۲) و از زیبایی طبیعی آن می‌کاهد؛ در شعر عماد، آرایه تجاهل‌العارف با تشبیه همراه شده و در ساخت نحوی کلام هم به طور کامل تأثیر گذاشته و به صورت قید معنایی ناگسستنی در آمده است؛ بررسی تفضیل همراه با تجاهل، در کنار بقیه ابزارهای نوسازی، در این مقاله بررسی می‌شود.

تشبیه تفضیل در شعر عماد نسبت به شعر شاعران سبک خراسانی بیشتر است؛ گاه تمام غزل و در همه بیت‌های آن تشبیه تفضیل دیده می‌شود و همراهی تشبیه تفضیل با قید و شرط و تجاهل و عکس و فهم برتری از فحوای کلام نیز چشمگیر است و وجه تفضیل در کلام عماد به جای وجه شبه در تشبیه‌های عادی عمل می‌کند؛ یعنی بیشتر وجه تفضیل همان قید و شرط و تجاهل و عکس است.

۲.۳. در گذر از سبک خراسانی و در واپسین زمان چیرگی سبک و روش عراقی به شعر تغزلی فارسی، بحث از صور خیال عماد فقیه شنیدنی است. در این غزل‌ها زبان به سوی ایجاز میل می‌کند و پیامد آن، زبان ادبی تغزلی هم. بدین جهت، در شعر عماد، از تشبیه‌های تفصیلی، نشان کمتری می‌توان جست. تشبیه‌های عادی، در بردارنده وجه شبه و ادات تشبیه‌ند. کارکرد ادات تشبیه بسیار کم شده و استعاره‌های گوناگون به جای تشبیه، نشست‌اند. اثبات این مدعا در بررسی میزان و کم و کیف تشبیه‌های تازه نمود پیدا می‌کند؛ از این رو، بررسی کم و کیف تشبیه تفضیل که نوسازی تشبیه است، در شعر عماد گوشه‌ای از ویژگی‌های صور خیال در سبک عراقی را روشن می‌سازد.

۲.۴. دیوان عماد ۷۰۰ غزل دارد و در بر دارنده حدود ۶۵۰۰ بیت است. از مجموع غزل‌ها، با احتساب نسبت بیت‌ها، در حرف‌های پایانی کلمه قافیه یا ردیف، نمونه‌ای ۲۰ درصدی انتخاب شد و در بر دارنده ۱۵۰ غزل و ۱۳۵۰ بیت است. پس از بررسی، از شمار گزیده، تعداد ۲۲۸ تشبیه تفضیل شمار شد؛ و اگر این نسبت را با کل بیت‌های غزل‌ها بسنجیم؛ به این نتیجه می‌رسیم که به ازای هر غزل ۱/۵۲ تشبیه تفضیل وجود دارد.

جدول ۱:

تشبیه تفضیل	غزل‌های انتخابی	غزل‌های عماد	شمار بیت‌ها	نسبت تعداد تشبیه در غزل‌ها	درصد غزل انتخابی
۲۲۸	۱۵۰	۷۰۰	۶۰۰۰	۱/۵۲	۲۰٪

اگر این نسبت را با شمار تشبیه تفضیل و شعر چند تن از شاعران سبک خراسانی بسنجیم، جدول پایین به دست

می‌آید.

جدول ۲:

نام شاعر	تعداد بیت‌های برگزیده	درصد بیت‌های انتخابی	تعداد تشبیه تفضیل	کل بیت‌ها
رودکی	۱۰۰۰	٪۱۰۰	۵	۱۰۰۰
عنصری	۲۰۰۰	٪۵۰	۶۲	۴۰۰۰
مسعود سعد	۴۵۰۰	٪۵۰	۳	۹۰۰۰
خواجه عماد فقیه	۱۳۵۰	٪۲۰	۲۲۸	۶۵۰۰

نگاهی به جدول یاد شده، نشان می‌دهد که در هزار بیت شعر رودکی، تنها ۵ تشبیه تفضیل و در دو هزار بیت عنصری در زمینه‌های گوناگون، ۶۲ تشبیه تفضیل و در ۴۵۰۰ بیت مسعود سعد، کمتر از ده تشبیه به شمار آمده است (طالبیان، ۱۱۵، ۲۷۹، ۳۵۲: ۱۳۷۸). و این سه تن، از شاعران سبک خراسانی که در حوزه مضامین گوناگون، شعر سروده‌اند، تعداد بیت‌های نمونه منتخب شعر آن‌ها، در سنجش با عماد، ۲/۵ تا ۵ برابر بیشتر است و در یک محاسبه تقریبی می‌توان گفت که تشبیه تفضیل، در غزل‌های عماد فقیه، از کلیه اشعار این سه تن شاعر سبک خراسانی ده‌ها و

صدها برابر بیشتر است؛ عماد ده برابر شعر عنصری و دویست برابر شعر مسعود سعد و سی و سه برابر کلیه اشعار این سه شاعر، تشبیه تفضیل دارد. در ۱۳۵۰ بیت شعر گزینش شده عماد و تنها در زمینه غزل، ۲۲۸ تشبیه تفضیل وجود دارد. سنجش کمی تشبیه‌های تفضیل سه تن از شاعران سبک خراسانی با عماد فقیه، از شاعران سبک عراقی، نشان می‌دهد که نوسازی تشبیه‌ها، با شگرد تفضیل به طور کامل محقق شده است. این سنجش در حالی صورت گرفته که تجرید در تشبیه‌ها نیز به شمار نیامده است؛ برای نمونه در بیت زیر:

گر شب فرقت تو را روز وصال در پی است روز کند شب مرا شمع عذار انورت

(عماد، ۵۵: ۱۳۸۰)

ابتدا « عذار » به « شمع » تشبیه و آن گاه عذار دوباره به خورشید مانند شده؛ خورشیدی که وجه برتری آن بهبود حال شاعر است و در کنایه « روز کردن شب » نهفته شده است.

۱۳۵۰ بیت عماد در ۱۵۰ غزل است و نسبت تشبیه‌های تفضیل، به تعداد غزل‌های گزینش شده، عدد ۱/۵۲ را نشان می‌دهد، ولی این افزونی در بعضی از غزل‌ها فراوانی بیشتری نشان می‌دهد؛ برای نمونه، در غزلی ۹ بیتی، ۶ تشبیه تفضیل مشروط موجود است و سرجمع، در غزل، ۸ تشبیه تفضیل به شمار آمد.

فروغ روی تو در آفتاب نتوان یافت نسیم موی تو در مشک ناب نتوان یافت

(عماد، ۵۵: ۱۳۸۰)

و در سه غزل نه بیتی دیگر، به ترتیب؛ نه، ده و سیزده تشبیه تفضیل دیده می‌شود و بیت آغازین غزل‌ها اینگونه است:

بخت بلند قامت سرو اعتدال توست بدر منیر طلعت فرخنده فال توست

گل نسخه جمال ز رویت گرفته است *** سنبل سواد عطر ز مویت گرفته است

من ذکر روضه کردم و کوی تو خواستم *** گفتم حکایت گل و روی تو خواستم

(عماد، ۲۳۳، ۶۲، ۷۵: ۱۳۸۰)

۲.۲. ویژگی‌های تشبیه‌های تفضیل

۲.۲.۱. اضمار یا پنهان بودن تشبیه، همیشه در سرشت تشبیه تفضیل است؛ به طریقی که در شعر عماد هم به ندرت تشبیه‌هایی پیدا می‌شوند که پنهان نباشند؛ به گونه‌ای که در ساختار تشبیه ادات و وجه شبه دیده نمی‌شود؛ اضمار بدون تفضیل در شعر عماد، فراوان دیده می‌شود؛ ولی آن جا که پای تفضیل در میان است، نهاد تشبیه تفضیل بر پنهان بودن قطعی است.

۲.۲.۲. از ویژگی‌های دیگر تشبیه تفضیل، کارکرد آن، در ساخت نحوی ویژه است. در غزل نه بیتی زیر، از عماد، ردیف « گذشتیم » مفهوم تفضیل را می‌رساند:

با وصل تو از صحبت اصحاب گذشتیم ماییم مسبب که ز اسباب گذشتیم

گفتی که در این درد چرا دُرد نوشتی با باده لعلت ز می ناب گذشتیم

(عماد، ۲۰۶، ۲۲۲: ۱۳۸۰)

در غزل یاد شده، هفت بیت از نه بیت، تشبیه تفضیل دارد و معنی برتری مشبه همان واژه ردیف است و موسیقی کناری بیت را، هم به عهده دارد؛ همراهی این دو وجه، بر قدرت تخیل و زیبایی شعر عماد افزوده است و بیان عرفانی « رنگ باختن همه زیبایی‌ها در مقابل زیبایی معشوق » با عظمت بیشتری ادا شده است.

۲.۲.۳. ویژگی‌های دیگر تفضیل، همراهی با شرط است و گاه شرط به همراه مفهوم « تعلیق به محال » بر مبالغه در تشبیه و تفضیل می‌افزاید؛ در بیت زیر شرط تشبیه قامت و عذار یار به سرو و ماه، آن است که سرو قبا بیوشد

و ماه در نقاب رود و چون این نسبت، بدین دو محال است؛ بنابراین برتری قامت عذار قطعی تلقی می‌شود.

با قامت و عذار تو یابند نسبتی گر سرو در قبا رود و ماه در نقاب
(عماد، ۲۳: ۱۳۸۰)

ادات شرط، گاه در کلام جا گرفته است و گاهی بدون ادات، معنی شرط از معنی بیت، درک می‌شود مانند:

دارد عقیق بال لب او نسبتی ولی او را نگین ملک ملاحظت میسر است
گر صبا خواهد که مشک ارزان شود حلقه‌ای بگشاید از گیسوی دوست
(عماد، ۲۴: ۱۳۸۰)

قید و شرط به نوعی هم‌زادند و می‌توان گفت که قید هم به نوعی به شرط بازگشت دارد؛ ولی کارکرد نحوی آن، گاه در قالب پاسخ به پرسش مقدر است؛ مانند بیت‌های یاد شده و یا بیت ذیل:

آن گنج کدامست که ویرانه ندیدست وان شمع دل افروز که پروانه ندیدست
(عماد، ۲۵: ۱۳۸۰)

جمله « که ویرانه ندیدست؟ » قیدی است که مبالغه در تشبیه معشوق به شمع و گنج را ممکن می‌سازد و تشبیه را به قله تفضیل می‌کشاند؛ زیرا ذهن مخاطب را به سویی می‌برد که این شمع و گنج، زمینی نیستند؛ بلکه از نوعی هستند که در پدیده‌های عینی نمی‌توان یافت.

۲.۲.۴. از ویژگی‌های دیگر تشبیه تفضیل، فهم آن از بافت معنایی کلام است. در بیت زیر، برتری روی و دهان معشوق بر خورشید و زهره، از کلیت مفهوم بیت فهمیده می‌شود؛ هر چند قرینه لفظی « اتصال » عامل فهم برتری است.

روی جهانفروز و دهان تو هر که دید گفت اتصال زهره و خورشید انور است
(عماد، ۲۴: ۱۳۸۰)

۲.۲.۵. تفضیل، گاه با جابه‌جایی جایگاه معروف مشبه و مشبه به، معنی‌دار می‌شود؛ مانند بیت زیر که « مشک رایحه زلف یار دارد » و در آغاز، مشک به زلف تشبیه شده و این نشان تشبیه عکس است؛ آن‌گاه اضمار و عکس به تفضیل منتهی شده است:

شربت قند تو را قیمت آب حیات نکهت جعد تو را رایحه مشک ناب
(عماد، ۲۰: ۱۳۸۰)

۲.۲.۶. در بیان عماد، گاه تفضیل به یاری چندین شگرد بیانی حاصل می‌شود. در بیت زیر، گویی خورشید در مقابل زیبایی معشوق، فروغی ندارد و کسی که به خورشید می‌نگرد؛ ابتدا در شگفتی فرو می‌رود و به خطا می‌افتد؛ این خطا در حقیقت، نوعی کارکرد آرایه تجاهل‌العارف است که در دل تشبیه قرار گرفته و بنای آن بر اضمار و عکس است؛ یعنی ابتدا خورشید به معشوق تشبیه شده تا زمینه‌های تجاهل را فراهم آورد و همین مقدمه با تمثیل در مصراع دوم مؤکد می‌شود و این تأکید حاصل تقیید و ترکیب است. یعنی پس از تشبیه خورشید به معشوق با شگرد عکس، تمثیل، رابطه مصراع اول و دوم را برقرار ساخته و این تمثیل، خود، نوعی تقیید است و حاصل همه این‌ها آن است که عماد با برتری معشوق و با شگفتی تمام، بگوید: « خورشید کجا و معشوق کجا! »

دیده‌چو خورشید دید گفت مگر روی تست آب تصور کند تشنه‌چو بیند سراب
(همان)

۲.۲.۷. تمایز عکس، به عنوان وجه تفضیل، در شعر عماد صراحت ندارد؛ زیرا همیشه آمیختگی عکس و تقیید و شرط و تجاهل دیده می‌شود. عماد وجه تفضیل را، اغلب بیان نمی‌کند. بیشتر تفضیل‌های او، گویی با این پیش فرض ساخته شده‌اند که وجه برتری روشن است و این نکته ابهام هنری را در شعر او افزون می‌کند؛ به طریقی که برای یافتن وجه برتری، ذهن به تکاپو می‌افتد تا آن که تشبیه و تفضیل را بیابد؛ وقتی در این بیت، عماد می‌گوید:

ای ز رخت نقطه‌های دایره آفتاب وز گره سنبلیت غالیه در پیچ و تاب

فهم کنایه «در پیچ و تاب بودن» غالیه و تصور آفتاب به صورت نقطه که در نهایت حقارت غالیه و آفتاب را، در مقابل رخ و زلف معشوق می‌رساند؛ کلید رسیدن به تشبیه مضمیر «رخ به آفتاب» و «زلف به سنبلیت و غالیه» است تا آن که مبالغه و تفضیل مشبه بر مشبه به نهایت ادراک ذهن است.

۲.۲.۸. فراوانی بهره‌گیری از شگرد عکس، شایان دقت است، در غزلی با مطلع زیر و با ساختار جمله خبری که در همه ابیات از این شگرد استفاده شده است:

گل نسخه جمال ز رویت گرفته است سنبلیت سیواد عطر ز مویت گرفته است

(همان، ۴۴)

و در سه بیت آغازین، غزلی با مطلع زیر، همین روش به کار رفته است.

پای نسیم سست شد بس که در آمد از درت تا ببرد شمامه‌ای از نفس معنیرت

(همان، ۴۵)

۲.۲.۹. هدف‌های بلاغی تجاهل‌العارف گوناگون است (تفتازانی، ۴۴۳: ۱۴۰۷ ه.ق). و در شعر عماد، تجاهل با هدف‌های متفاوت، دیده می‌شود، ولی این شگرد، آنگاه که با تشبیه تفضیل آمیخته شود، مبالغه در تشبیه را می‌سازد و مهمترین ره‌آورد این همراهی، مبالغه در اوصاف برتر معشوق است و اغلب، این همراهی در مطلع غزل‌ها جاسازی شده است.

شکری در شراب می‌بینم یا لبش را به خواب می‌بینم

(عماد، ۲۱۳ و نیز ۲۲، ۲۴، ۳۰، ۸۲، ۸۴: ۱۳۸۰)

فراوانی تشبیهات همراه با تجاهل در شعر عماد چشمگیر است؛ به گونه‌ای که گاه در همه بیت‌های یک غزل، تشبیه‌ها به همراه تجاهلند. در غزلی که مطلع آن در زیر می‌آید، عماد با شگرد تجاهل، غزل را آغاز می‌کند و با شگرد تفضیل حلقه انس عارفانه را از فراشان قدس، کرویسان، آب حیات، پادشاهی دنیا، نقشبند خیال، گل و صبا برتر می‌شمارد:

مگر فرشته رحمت در آمد از در ما که شد بهشت برین کلبه محقر ما

(همان، ۹۸)

و در غزلی در مدح شاه شجاع، از همین شگرد بهره می‌گیرد:

یارب این غالیه یا طره حورالعین است یا عبیر نفس قدسی جان پرور ما

(همان، ۱۱)

برای نشان دادن وجه تفضیل که به صورت قید و شرط و تجاهل و عکس جلوه می‌کند، از نیمی از غزل‌های عماد، نمونه‌ای ده درصدی (۷۰ غزل) انتخاب شد. حاصل بررسی در مورد دو سوی تشبیه و شگردی که نوسازی تشبیه و وجه برتری با آن افاده می‌شود، در جدول زیر نمایان است. با نگاهی به جدول شماره ۳، می‌توان گفت که شعر عماد، از نظر وجه تفضیل شمار بیت‌هایی که فهم تفضیل از مفهوم بیت افاده می‌شود، در مرتبه اول و شمار قید و شرط در مرتبه دوم و پس از آن تجاهل و عکس است.

جدول ۳: بررسی دو سوی تشبیه و وجه تفضیل

وجه تفضیل						تشبیه تفضیل	
تعداد شبهات	مفهوم جمله	تجاهل	عکس	قید	شرط	مشبه به	مشبه
۲۰	۳	۱۰	-	۲	۱	یوسف، عالم روحانی، حور، ملک، خضر، شاه، نگار، مسیحا، کروی، رو، گنج، شمع، آفتاب	معشوق
۵	۴	-	-	-	۱	مجنون، فرشته، مو	عاشق
۵	-	۴	۱	-	-	نرگس، سحر، بحر عمان، ابرنيسان، جوی خون، رودخانه	چشم
۴۰	۱۷	-	۵	۱۲	۶	آفتاب، خورشید، ماه، بت، گل، شمع، جام گلگون، آب و گل، آتش و آب، نقد، نصاب زکات، گلبرگ، صبح، آینه، بهار، بستان	روی
۲۲	۸	۷	۲	۳	۴	غالیه، نافه، هندو، ریحان، کمند، عبیر، شبقدر، مشک، شب، نسیم بهاری	زلف
۲	۱	-	-	-	۱	دانه، مشک	خال
۲۰	۷	۲	۸	۲	-	آب حیات، عطر بوستان، عود، هوای عنبرین، درج عبیر، شکر، هیچ، مشک، باد صبا، شکر، شکر مصری	دهان و بوی دهان نفس سخن
۳	۱	۲	-	-	-	سیل، موج دریا، لعل	اشک و سرشک
۴	۱	-	۱	۱	-	هلال عید، محراب، ماه نو	آبرو
۱۰	۲	-	-	۸	-	ساقی، شراب، چشمه نوش، لعل، آب حیوان و حیات، عقیق	لب
۱۲	۵	-	۱	-	۶	سرو، صنوبر	قد
۱	۱	-	-	-	-	نقره	ساعد
۱	۱	-	-	-	-	هیچ	کمر
۲	۲	-	-	-	-	زرا، آب حیات	وصل
۱۴۷	۵۳	۲۵	۱۸	۲۸	۱۹		جمع

۲.۳. سازگاری تفصیل با محتوا

اگر از نظر مضمون و محتوا، به تشبیه‌های تفضیل عماد و از جمله، نمونه برگزیده شده نگاه کنیم، در می‌یابیم که تشبیه‌های تفضیلی عماد، غیر از اندکی که درباره ممدوح شناخته شده است؛ همه آن‌ها، جمال معشوق ازلی را وصف می‌کند و اوصاف جمال او را، برتر از همه هستی موجودات و کثرات این عالم می‌داند. از رهرو مضامین تشبیه تفضیل، می‌توان به این معنی پی برد که از دید عارف، همه خلقت بازتاب و جلوه‌گاه جمال اوست؛ بنابراین، او بر همه خلقت برتری دارد و همه زیبایی‌ها به جمال او پیوسته است. و با دیدی دیگر می‌توان گفت؛ شگردهای بیانی در شعر عماد، در خدمت بیان مؤثر و زیبا و رسای نظریه‌های عرفاست که در شعر نمود پیدا کرده است؛ زیرا هر یک از شگردهای بیانی، برای معانی ویژه کارکرد مناسب‌تری دارند و به همین دلیل، عماد در بیان برتری زیبایی‌های معشوق، بیشتر از این شگرد بهره گرفته است.

۲.۴. نکته آخر آن که فراوانی کاربرد تشبیه‌های تفضیل، بستگی به استعداد و توانایی آوایی دارد که کلمه قافیه و یا ردیف به آن آوا ختم می‌شود. جدول ۴ تعداد تشبیه تفضیل را، بر اساس آوای پایانی کلمه قافیه یا ردیف نشان می‌دهد.

جدول ۴:

صامت پایانی کلمه قافیه یا ردیف	تعداد تشبیه تفضیل	تعداد غزل انتخابی	کل غزل‌های پایان یافته به این صامت
الف	۱۳	۷	۳۲
ب	۲	۴	۸
ت	۹۷	۳۳	۱۶۱
د	۴۰	۳۲	۱۵۶
ر	۸	۵	۲۲
ز	۱	۳	۱۵
س	۱	۲	۶
ش	۳	۴	۱۸
ص، ع، غ، ف، ق، گ	۵	۳	۱۳
ل	۳	۴	۲۰
م	۱۴	۱۳	۵۸
ن	۱۶	۹	۴۳
و	۵	۳	۱۳
ه	۹	۴	۱۸
ی	۱۱	۲۴	۱۱۰

نگاهی به جدول بالا نشان می‌دهد که تعداد تشبیه غزل‌های پایان یافته به صامت «ت»، بیشترین و در غزل‌های پایان یافته به صامت «ز»، کمترین است. در غزل‌های پایان یافته به صامت «ت» میانگین نسبت تشبیه تفضیل به غزل، عدد «۳» است؛ یعنی هر غزل پایان یافته به صامت «ت» سه تشبیه تفضیل دارد و حال آن که در هر دو غزل پایان یافته به صامت «ی»، یک تشبیه تفضیل شمار شده است. این بررسی، نشان از آن دارد که صامت «ت» توانایی بیشتری در به کارگیری شگرد بیانی تشبیه تفضیل در ساختار غزل‌های عماد دارد.

۳. نتیجه‌گیری

بررسی نوسازی صور خیال شاعرانه، در شعر عماد، به عنوان یکی از شاعران سبک عراقی، نشان می‌دهد که تشبیه تفضیل، یکی از مهمترین راه‌های نوسازی تشبیه‌های عماد فقیه کرمانی است؛ به طریقی که در ۱۵۰ غزل او، بیش از ۲۲۸ تشبیه تفضیل شمارش شده و این رقم، ده‌ها برابر میزان به کارگیری این شگرد، در شعر شاعران سبک خراسانی است و از سوی دیگر، این شگرد هماهنگ با محتوای عرفانی شعر او، در خدمت بیان برتر زیبایی‌های معشوق به کار گرفته شده است. همچنین وجه تفضیل در شعر او، بیشتر از ساختار لفظی و معنایی و گاه از شرط و قید و عکس و تجاهل فهم می‌شود.

در پایان، با بررسی در نمونه‌ای، روشن گردید که غزل‌های پایان یافته به صامت «ت»، توانایی بیشتری، در به کارگیری شگردهای بیانی تشبیه دارند؛ به طریقی که در غزل‌های پایان یافته به صامت «ت»، در هر غزل، سه تشبیه تفضیل و در غزل‌های پایان یافته به صامت «ی»، هر دو غزل یک تشبیه تفضیل دیده می‌شود؛ و در نتیجه قافیه‌ها و ردیف‌های پایان یافته به صامت «ت»، در بیت‌های شاعر، برای بهره‌گیری از این شگرد متناسب‌ترند.

منابع

- بدوی طبانه، (بی تا). علم بیان، قاهره: درسه تاریخیه.
- فتنازانی، سعدالدین. (۱۴۰۷ ه. ق). مطول، قم: کتابخانه آیت‌اله مرعشی نجفی.
- تقوی، سیدنصراله. (۱۳۶۳). هنجار گفتار، اصفهان: انتشارات فرهنگسرای اصفهان.
- دقیقی، (۱۳۶۸). دیوان، به اهتمام محمدجواد شریعت، تهران: اساطیر.
- رجایی، محمدخلیل. (۱۳۵۹). معالم البلاغه، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- زرین کوب، حمید. (۱۳۶۷). مجموعه مقالات، تهران: انتشارات علمی.
- سکاکی، ابویعقوب. (۱۴۰۷). مفتاح‌العلوم، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). صور خیال در شعر فارسی، تهران: نشر آگاه، چاپ سوم.
- _____ (۱۳۷۰). موسیقی شعر، تهران: نشر آگاه.
- طالبیان، یحیی. (۱۳۷۸). صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی، کرمان: عماد.
- علی‌الجندی. (۱۹۵۲). فن‌التشبییه، مصر، کتبه نهضه.
- عماد فقیه. (۱۳۸۰). دیوان، مصحح، طالبیان، یحیی و مدبری، محمود، کرمان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- _____ (۱۳۴۸). مصحح، رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: ابن سینا.

فرشیدورد، خسرو. (۱۳۶۳). درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران: امیرکبیر.
همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.